



نظریه های اخلاق هنجاری و چالش های اخلاقی در عرصه ی مدیریت اطلاعات

نویسنده: خندان، محمد

اطلاع رسانی و کتابداری :: تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی :: پاییز 1389 - شماره 53 (علمی-ترویجی)

از 87 تا 120

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/951101>

دانلود شده توسط : محمود خسروچردی

تاریخ دانلود : 1393/06/23 14:23:29

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com

نظریه‌های اخلاقِ هنجاری و چالش‌های اخلاقی در عرصه‌ی مدیریت اطلاعات

محمد خندان

دانشجوی دکتری علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران؛ khandan@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۰/۳/۲۳

چکیده

هدف: هدف از این مقاله، بررسی مسائل اخلاقی مطرح در مدیریت اطلاعات از منظر چهار نظریه‌ی عمده‌ی اخلاق هنجاری (نظریه‌های نتیجه‌محور، وظیفه‌محور، حق‌محور و فضیلت‌محور) است. **روش:** این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی مفهومی انجام پذیرفت. **یافته‌ها:** در این مقاله نشان داده می‌شود که چگونه می‌توان نظریه‌های اخلاقی را برای حل مسائل و چالش‌های انضمامی مدیریت اطلاعات به کار گرفت. همچنین مشخص می‌شود که هر یک از نظریه‌های اخلاق هنجاری، به شیوه‌ی خاص خود با این چالش‌ها مواجه می‌شوند. **اصالت:** این مقاله ضمن توضیح درباره‌ی تعریف و تقسیم‌بندی فلسفه اخلاق، تاریخچه‌ی اخلاق اطلاعات و مباحث اصلی آن، به نحو مستدل و روشن توضیح می‌دهد که هر یک از نظریه‌های اخلاقی از چه زاویه‌ای به توجیه مسائل اصلی اخلاقی در عرصه‌ی مدیریت اطلاعات می‌پردازند. **واژگان کلیدی:** اخلاق اطلاعات، اخلاق کامپیوتر، اخلاق سایبر، اخلاق توصیفی، اخلاق هنجاری، فرااخلاق، استدلال اخلاقی، مالکیت فکری، حریم خصوصی، محرمانگی، آزادی فکری.

مقدمه

انسان موجودی است که با افعال اختیاری و ارادیش واجد «هویت» می‌شود. بدین ترتیب می‌توان «اخلاق» را امری مربوط به هویت‌یابی انسان دانست؛ زیرا اخلاق عبارت از قلمروی است که در آن، افعال انسان از روی اختیار و اراده از وی سر می‌زنند. این افعال و کنش‌ها، در صورت جمع‌ایش «سنن»^۱ و «آداب و رسوم»^۲ را می‌سازند و این همانی است که در زبان انگلیسی با لفظ morals مورد اشاره قرار می‌گیرد. واژه‌ی morals از ریشه‌ی یونانی mores (به معنی آداب و رسوم) است. وقتی از وجود morality در انسان سخن می‌گوییم، بدین معنی است که انسان «خُلُقاً» موجودی اخلاقی است و نمی‌توان او را منتزع از آداب و رسوم و سنن، موجودی به‌واقع «انسانی» دانست. اینکه کسانی مانند راغب اصفهانی «خُلُق» و «خُلُق» را در اصل یکی دانسته‌اند (مدرسی، ۱۳۸۸)، به همین معنی اشاره دارد. Morals بیانگر معنی تحت‌اللفظی «اخلاق» است. اما آیا هنگامی که از «علم اخلاق» یا «فلسفه‌ی اخلاق» سخن می‌گوییم، مرادمان اخلاق به معنی morals است؟

در زبان انگلیسی بین morals و ethics تفاوت قائل می‌شوند. اگر morals به معنی آداب و رسوم و سنن است، ethics به معنی تأمل نقادانه و نظام‌مند درباره‌ی morals است (کاپورو،^۳ ۲۰۰۵). اخلاق به معنی morals همیشگی تاریخ با بشر بوده است، اما اخلاق به معنی ethics (از ریشه‌ی یونانی ethos) از سقراط به بعد آغاز می‌شود (داوری اردکانی، ۱۳۸۳). بر این اساس می‌توان ethics را بیانگر معنی اصطلاحی اخلاق یا همان «فلسفه‌ی اخلاق» دانست؛ یعنی حوزه‌ای از معارف انسانی که افعال اختیاری انسان را به بررسی می‌گیرد. تأکید بر «افعال اختیاری» از آن رو است که اگر فعلی که از انسان سر می‌زند برآمده از اراده‌ی درونی شخص وی نباشد و از خارج به او تحمیل شده باشد، فعلی اخلاقی نیست. به‌عنوان مثال، افعالی که انسان به واسطه‌ی اجبار یا تسلط قوانین قضایی انجام می‌دهد، دارای ماهیت اخلاقی نیستند. یعنی بین ethics و law فرق است.

در حالی که ethics ناظر به افعالی است که بر اساس اراده و اختیار ملکه‌ی نفس می‌شوند، law ناظر به قوانینی است که به‌نحو رسمی توسط قدرت‌های حکومتی یا هیئت‌های سیاسی بین‌المللی وضع شده‌اند (کاپورو، ۲۰۰۵). قوانینی که بدین ترتیب وضع می‌شوند لزوماً با قوانین اخلاقی سازگار نیستند. اخلاق اطلاعات^۴، از فروع «فلسفه‌ی اخلاق» و متضمن به‌کارگرفتن اصول و استدلال‌ات فلسفی در بررسی مسائل اخلاقی مرتبط با اطلاع‌رسانی است. یکی از حوزه‌های اطلاع‌رسانی، فرایند مدیریت منابع اطلاعاتی است. در این فرایند ما با چالش‌ها و مسائل اخلاقی‌ای مواجه هستیم که بررسی دقیق و نقادانه‌ی آنها، بر عهده‌ی اخلاق اطلاعات است. در این مقاله، برخی از این چالش‌ها و مسائل مورد بحث قرار می‌گیرند.

بیان مسئله

به‌طور کلی، زمینه‌های اصلی مدیریت اطلاعات را می‌توان تولید، گردآوری، سازماندهی، دسترسی و اشاعه‌ی اطلاعات دانست. در هر یک از این زمینه‌ها، مسائل و چالش‌های اخلاقی‌ای وجود دارد که حل آنها مستلزم آشنایی متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی با نظریه‌ها و استدلال‌های مطرح در اخلاق هنجاری^۵ است. بدین ترتیب اخلاق اطلاعات در عرصه‌ی مدیریت اطلاعات ورود پیدا می‌کند و درصدد فهم، تبیین و پاسخ‌گویی به مسائل و چالش‌های اخلاقی موجود در این عرصه برمی‌آید. در مقاله‌ی حاضر، مسائل اخلاقی مطرح در حوزه‌ی تولید، گردآوری، سازماندهی، دسترسی و اشاعه‌ی اطلاعات از منظر چهار نظریه‌ی عمده‌ی اخلاق هنجاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. این چهار نظریه عبارتند از: نظریه‌ی نتیجه‌محور^۶، نظریه‌ی وظیفه‌محور^۷، نظریه‌ی حق‌محور^۸ و نظریه‌ی فضیلت‌محور^۹.

پرسش‌های اساسی

پرسش‌های اساسی‌ای که این مقاله درصدد پاسخ‌دادن به آنها است، عبارتند از:

۱. اخلاق اطلاعات چیست؟
 ۲. تاریخچه‌ی اخلاق اطلاعات، در ارتباط با حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی چیست؟
 ۳. آموزش اخلاق اطلاعات، با تأکید بر اخلاق هنجاری چه ضرورتی در کتابداری و اطلاع‌رسانی دارد؟
 ۴. مسائل اخلاقی مربوط به تولید اطلاعات، از منظر نظریه‌های اصلی اخلاق هنجاری چگونه تحلیل می‌شوند؟
 ۵. مسائل اخلاقی مربوط به گردآوری و سازماندهی اطلاعات، از منظر نظریه‌های اصلی اخلاق هنجاری چگونه تحلیل می‌شوند؟
 ۶. مسائل اخلاقی مربوط به دسترسی و اشاعه‌ی اطلاعات، از منظر نظریه‌های اصلی اخلاق هنجاری چگونه تحلیل می‌شوند؟
- در ادامه، پس از بیان مقدماتی درباره‌ی چیستی فلسفه‌ی اخلاق، شاخه‌های آن و نظریه‌های چهارگانه‌ی اخلاق هنجاری، تلاش می‌شود به این پرسش‌ها پاسخ داده شود.



چیستی فلسفه‌ی اخلاق

در تعریف فلسفه‌ی اخلاق آراء متعددی مطرح شده است. من پس از ذکر تعدادی از این تعاریف، و با استفاده از آنها، سعی می‌کنم به قدر امکان تعریفی جامع و مانع از فلسفه‌ی اخلاق ارائه دهم.

ویلیام فرانکنا^{۱۰} (۱۳۸۰) فلسفه‌ی اخلاق را عبارت از تفکر برهانی، استدلالی و فلسفی درباره‌ی اخلاق، مسائل اخلاقی و احکام اخلاقی می‌داند. در نظر فرانکنا، قلمرو فلسفه‌ی اخلاق مشتمل بر مسائلی از این قبیل است: افعال انسان از حیث نیکی و بدی، احکام اخلاقی، تجارب اخلاقی، وجدان اخلاقی و نظائر آن. برنارد ویلیامز^{۱۱} (۱۳۸۳) فلسفه‌ی اخلاق را مطالعه‌ی فلسفی و متأملانه‌ی ارزش‌های مربوط به انسان‌ها می‌داند که در تلاش است انواع خاص دلایل اعمال را بشناسد.

به عقیده‌ی ویلیامز، فلسفه‌ی اخلاق نمی‌تواند خود را به‌طور کامل از سایر مطالعات فلسفی جدا کند و باید با موضوعاتی همچون فلسفه‌ی سیاسی، فلسفه‌ی حقوق، روان‌شناسی فلسفی و نیز بخش‌های گوناگون علوم اجتماعی رابطه‌ی فعال داشته باشد. دیوید مک‌ناتن^{۱۲} (۱۳۸۳) فلسفه‌ی اخلاق را متولی بررسی تفکر اخلاقی و تجربه‌ی ارزشی انسان می‌داند. به عقیده‌ی وی، تجربه‌ی ارزش یکی از وجوه اساسی زندگی انسان است و لذا هر فهم درستی از خود ما و جهان، باید این تجربه را مدّ نظر قرار دهد. بیان این تجربه با مفاهیمی مانند خوب، بد، درست، نادرست، عادلانه، ظالمانه و غیره انجام می‌شود. این‌ها سازنده‌ی احکام اخلاقی هستند و فلسفه‌ی اخلاق، معطوف به بررسی این احکام است. هری گنسلر^{۱۳} (۱۳۸۷) با اشاره به اینکه فلسفه‌ورزی، دلیل آوردن^{۱۴} درباره‌ی پرسش‌های بنیادین زندگی است، فلسفه‌ی اخلاق را به معنی دلیل آوردن درباره‌ی پرسش‌های بنیادین اخلاقی می‌داند. به عقیده‌ی وی، در فلسفه‌ی اخلاق با مسائلی از این قبیل مواجهیم: باید چگونه زندگی کنیم؟ چه اصولی را باید در زندگی دنبال کنیم؟ و چرا باید از این اصول پیروی کنیم، نه از اصول دیگری؟. مایکل پالمر^{۱۵} (۱۳۸۸) فلسفه‌ی اخلاق را تأمل درباره‌ی صدور احکام اخلاقی در ارتباط با بایدها و نبایدهای رفتار و منش انسان می‌داند. مردان و زنان عموماً رفتار و منش خود و دیگران را با الفاظ عامی مانند خوب، بد، درست، نادرست و غیره توصیف می‌کنند و فیلسوفان اخلاق درباره‌ی معنی و قلمرو این اوصاف به تحقیق می‌پردازند. به بیان دقیق‌تر، فلسفه‌ی اخلاق، تحقیق درباره‌ی استدلال‌هایی است که در پشت باورهای اخلاقی انسان نهفته است. تحقیق درباره‌ی توجیه مواضع اخلاقی نیز بر عهده‌ی فلسفه‌ی اخلاق است.

بر اساس تعاریف فوق، می‌توان فلسفه‌ی اخلاق را حوزه‌ای مطالعاتی دانست که معطوف به بحث عقلانی و استدلالی درباره‌ی باورهای اخلاقی، احکام اخلاقی، مفاهیم اخلاقی (از قبیل خوب، بد، درست، نادرست و غیره)، تجارب اخلاقی،

ارزش‌های مربوط به انسان و اصول، مبانی و دلایل رفتارها و کردارهای انسانی است.

شاخه‌های فلسفه‌ی اخلاق

اشاره شد که فلسفه‌ی اخلاق با منش و رفتارِ اختیاریِ انسان که متصف به نیکی و بدی می‌شود، سر و کار دارد. با این مسئله به چند شیوه می‌توان مواجهه شد، و بر اساس نوع مواجهه‌ای که صورت می‌گیرد می‌توان سه شاخه‌ی اصلی برای فلسفه‌ی اخلاق برشمرد:

۱. اخلاق توصیفی^{۱۶} : این شاخه از اخلاق، درصددِ پژوهشِ توصیفیِ تجربی، تاریخی یا علمی از ارزش‌ها و باید و نبایدهای مورد قبول مردم و تبیین پدیده‌های اخلاقی است (فرانکنا، ۱۳۸۰). اخلاقِ توصیفی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی اخلاق نزدیک می‌شود و شاید به همین دلیل در برخی از تقسیم‌بندی‌ها (مانند پالمر، ۱۳۸۸؛ گنسلر، ۱۳۸۷؛ مک‌ناتن، ۱۳۸۳) آن را به‌عنوان زیرمجموعه‌ی فلسفه‌ی اخلاق لحاظ نکرده‌اند.

۲. اخلاق هنجاری^{۱۷} : این شاخه از اخلاق، به بررسی افعال خوب و بد و معیارهای قضاوت درباره‌ی نیکی و بدی یا درستی و نادرستی افعال می‌پردازد. اخلاق هنجاری سنت اصلی تفکر اخلاقی از زمان سقراط و افلاطون و ارسطو تا زمان حاضر بوده است (پالمر، ۱۳۸۸). اخلاق هنجاری را می‌توان دارای دو سطح دانست: الف) اخلاق هنجاری نظری یا نظریه‌ی هنجاری^{۱۸} که در جستجوی اصول اخلاقی بسیار کلی است؛ مانند اینکه: «همیشه باید کاری کرد که خوشی همه‌ی افراد به بیشترین حد خود برسد» (گنسلر، ۱۳۸۷). ب) اخلاق هنجاری کاربردی^{۱۹} که به معنی کاربرد نظریه‌های اخلاقی برای بررسی مسائل اخلاقی خاص است. در اخلاق کاربردی، به جای تعیین اینکه چه چیز در کلی‌ترین حالت درست یا نادرست است، می‌پرسیم که چه چیز در مواردی خاص - مثلاً در مورد سقط جنین، آسان‌گُشی^{۲۰}، مالکیت فکری^{۲۱}، حقوق حیوانات، نژادپرستی،

تبعض جنسی، خشونت و جنگ - درست یا نادرست است (هولمز، ۱۳۸۵). از آنجا که اخلاقِ هنجاری راهنمای عملِ انسان و ناظر بر افعالِ اختیاری اوست، اخلاقِ مرتبه‌ی اول^{۲۲} نیز نامیده شده است (جوادی، ۱۳۷۵).

۳. فرا اخلاق^{۲۳}: این شاخه از اخلاق، به تحلیل منطقی، معرفت‌شناختی یا معنی‌شناختی احکام اخلاقی می‌پردازد. به‌عنوان مثال در فرا اخلاق پرسش می‌شود که آیا احکام اخلاقی، اعتقادات معتبری را اظهار می‌کنند؟ آیا این احکام می‌توانند از جهت عینی صادق باشند؟ چگونه می‌توان این احکام را اثبات یا توجیه کرد؟ معنی یا مورد استعمال تعابیر «خوب»، «نیک»، «درست»، «مختار»، «مسئول» و سایر تعابیر اخلاقی چیست؟ (فرانکنا، ۱۳۸۰؛ ویلیامز، ۱۳۸۳). از آنجا که موضوع فرا اخلاق احکام و جملات اخلاقی است، نه افعالِ اختیاریِ انسان، آن را اخلاقِ مرتبه‌ی دوم^{۲۴} نیز نامیده‌اند (جوادی، ۱۳۷۵).

نظریه‌های اخلاقِ هنجاری

در حوزه‌ی اخلاقِ هنجاری چهار نظریه‌ی شاخص را می‌توان از هم متمایز کرد: نظریه‌ی نتیجه‌محور^{۲۵}، نظریه‌ی وظیفه‌محور^{۲۶}، نظریه‌ی حق‌محور^{۲۷} و نظریه‌ی فضیلت‌محور^{۲۸}. از هر یک از این نظریه‌ها تقریرهای مختلفی توسط فیلسوفان مختلف ارائه شده است. در این بخش، ایده‌های اصلی هر یک از این نظریه‌ها بیان می‌شود و در بخش‌های بعد، کاربرد این نظریه‌ها در توجیه برخی از مسائل اخلاقیِ مدیریت اطلاعات مورد تأمل قرار می‌گیرد.

مطابق نظریه‌ی نتیجه‌محور، وجه تمایز افعال نیک از افعال بد آن است که افعال نیک نتایج بهتری به بار می‌آورند (فالیس^{۲۹}، ۲۰۰۷). بر این اساس، حامل اصلی ارزش اخلاقی «وضعیت خوب»^{۳۰} است؛ یعنی کاری نیک است که به ایجاد یک «وضعیت خوب» بینجامد (ویلیامز، ۱۳۸۳). یکی از نمونه‌های اصلی نظریه‌ی نتیجه‌محور فایده‌انگاری^{۳۱} است. بر اساس فایده‌انگاری، «خوبی»^{۳۲} برحسب میزان «خوشی»^{۳۳} سنجیده می‌شود (فالیس، ۲۰۰۷). جرمی بنتام^{۳۴} و جان استوارت میل^{۳۵}

از مشهورترین مدافعان فایده‌انگاری هستند. بنتام استدلال می‌کرد که اخلاق مبتنی بر «اصل فایده‌مندی» است؛ بدین معنی که از بین افعال مختلف باید فعلی را انجام داد که حداکثر خوشی ممکن در این جهان را برای همه‌ی افراد مربوطه داشته باشد (ریچلز، ۱۳۸۷). جان استوارت میل دنباله‌ی کار بنتام را گرفت و در کتاب «فایده‌انگاری» به شرح مبانی این نظریه‌ی اخلاقی پرداخت. مطابق نظر میل (۱۳۸۸)، مبانی اخلاقیات، حصول بیشترین خوشی (لذت و نبود رنج)، هم به لحاظ کمیت و هم به لحاظ کیفیت برای بیشترین افراد بشر و بلکه - تا جایی که طبیعت چیزها راه می‌دهد - برای تمامی مخلوقات جاندار است.

مطابق نظریه‌ی وظیفه‌محور، وظایفی اخلاقی وجود دارد که انسان‌ها باید صرف‌نظر از نتیجه به آن‌ها گردن بنهند (فالیس، ۲۰۰۷). بر این اساس، حامل اصلی ارزش اخلاقی «عمل درست»^{۳۶} است؛ کاری نیک است که مطابق با پاره‌ای از تکالیف و وظایف، «درست» به حساب آید (ویلیامز، ۱۳۸۳). مهم‌ترین نظریه‌ی وظیفه‌محور توسط کانت ارائه شده است. وی در کتاب «بنیاد مابعدالطبیعه‌ی اخلاق»^{۳۷} می‌گوید که تنها چیزی که می‌توان آن را بی‌قید و شرط خوب دانست، نیت یا خواست خوب^{۳۸} است. در نظر وی، خواست خوب نه به دلیل نتیجه یا آثارش، بلکه صرفاً به حکم اراده‌ای که موجب آن شده است، خوب دانسته می‌شود؛ یعنی به خودی خود خوب است. او این خواست خوب را «وظیفه» می‌نامد. ما باید کار نیک انجام دهیم؛ نه از روی حس سودخواهی، بلکه به حکم وظیفه. او در ادامه وظیفه را اینگونه تعریف می‌کند: «وظیفه، ضرورت عمل کردن از سر احترام به قانون است» (کانت، ۱۳۶۹، ص ۲۴). اما این قانون، چگونه قانونی است؟ پاسخ کانت این است: «تنها بر پایه‌ی آن آیینی رفتار کن که در عین حال بخواهی که [آن آیین] قانونی عام باشد» (کانت، ۱۳۶۹، ص ۶۰). و این همان «امر مطلق»^{۳۹} کانتی است. البته کانت در همین کتاب، امر مطلق را با اصل دیگری همراه می‌کند و آن اینک: «چنان رفتار کن تا بشریت را چه در شخص

خود و چه در شخص دیگری همیشه به‌عنوان یک غایت به‌شمار آوری، و نه هرگز تنها همچون وسیله‌ای» (کانت، ۱۳۶۹، ص ۷۴).

در نظر کانت تمامی وظایف و تکالیف اخلاقی مطلق هستند و هیچ استثنائی برنمی‌دارند. این امر، اخلاق وظیفه‌محور کانتی را در موقعیت‌هایی که ما با تعارض میان وظایف اخلاقی مواجه می‌شویم، بسیار خشک و انعطاف‌ناپذیر می‌سازد. به‌عنوان مثال، مطابق نظر کانت اگر یک قاتل که در تعقیب فردی بی‌گناه است و قصد کشتن او را دارد، از ما درباره‌ی مکان مخفی شدن آن فرد سؤال کند، با وجود اینکه می‌دانیم اگر راستش را بگوییم فردی بی‌گناه را به کشتن داده‌ایم، اما باید از دروغ‌گفتن پرهیز کنیم و راستش را بگوییم، زیرا اگر قرار است به‌گونه‌ای عمل کنیم که رفتار ما به قانونی عام بدل شود، در هیچ شرایطی نباید دروغ بگوییم. این اشکال باعث شده است که کسانی مانند ویلیام دیوید راس^{۴۰} در اخلاق کانتی تجدید نظر کنند. در واقع می‌توان نظریه‌ی اخلاقی راس را جمع بین فایده‌انگاری و وظیفه‌انگاری دانست (دباغ، ۱۳۸۸).

راس استدلال می‌کند که وظایف کانتی را نباید مطلق گرفت، بلکه باید وظایفی دانست که استثنا‌بردارند. او این وظایف را «وظایف در نگاه نخست^{۴۱}» می‌نامد. «وظیفه در نگاه نخست»، وظیفه‌ای غیرمطلق است و می‌تواند محکوم وظیفه‌ی الزام‌آورتری قرار بگیرد. راس این وظایف را در شش گروه اصلی طبقه‌بندی می‌کند: الف) وظایف مربوط به وفاداری که در آنها طبق قول قبلی‌ام عمل می‌کنم؛ و وظایف مربوط به جبران که در آنها عمل خطای قبلی‌ام را جبران می‌کنم؛ ب) وظایف مربوط به سپاسگزاری که در آنها در قبال خدمت‌هایی که دیگران به من کرده‌اند، دینی را ادا می‌کنم؛ پ) وظایف مربوط به عدالت که در آنها می‌کوشم تا توزیع برابری از لذت و سعادت به دست آورم؛ ت) وظایف مربوط به نیکوکاری که در آنها می‌کوشم سهم دیگران را از لحاظ فضیلت یا عقل یا لذت بهتر کنم؛ ث) وظایف مربوط به اصلاح خود که می‌کوشم از لحاظ فضیلت یا عقل خودم

را اصلاح کنم؛ ج) وظایف مربوط به عدم شرارت که بر اساس آنها از ضررزدن به دیگران امتناع می‌ورزم (پالمر، ۱۳۸۸، ص ۲۱۲-۲۱۳).

مطابق نظریه‌ی حق‌محور، عملی اخلاقی است که احترام به حقوق انسان‌ها را به همراه داشته باشد. بر این اساس، حامل اصلی ارزش اخلاقی، «حقوق طبیعی»^{۴۲} انسان‌ها است. مؤثرترین نظریه‌ی حق‌محور توسط فیلسوف انگلیسی، جان لاک^{۴۳} ارائه شده است. ما به صرف انسان بودن مان واجد حقوقی هستیم که این حقوق را می‌توان حقوق طبیعی و سلب‌نشدنی انسان نامید (فالیس، ۲۰۰۷). لاک حقوقی مانند «حیات، مالکیت و آزادی» را حقوق اساسی و سلب‌نشدنی انسان می‌داند. وی معتقد است که اساس شکل‌گیری وضع مدنی، قرارداد اجتماعی است که مردم توسط آن بر معضلات وضع طبیعی، که عمده‌اش ناامنی است، از طریق تشکیل حکومت فائق می‌آیند. با چنین فرایندی است که اعضاء جامعه با رضایت خود بر حفظ اصول اولیه‌ی قرارداد، یعنی حفظ «جان و مال و آزادی» توافق حاصل می‌کنند (شریعت، ۱۳۸۶).

از جمله نظریه‌های حق‌محور در قرن بیستم می‌توان به نظریه‌ی جان راولز^{۴۴} اشاره کرد. راولز نظریه‌ی سیاسی و اخلاقی خود را در تکمیل سنت قرارداد اجتماعی ارائه کرده است. به عقیده‌ی راولز، مردمان اغلب توافقی صریح برای مشارکت در اجتماع ندارند. اگر هم آن‌ها چنین توافقی داشته باشند، ممکن است منصفانه^{۴۵} نباشد، زیرا افرادی که قدرت بیشتری دارند، نسبت به سایر افراد فرصت‌ها و سهم بیشتری را طلب می‌کنند. در نتیجه ما نمی‌توانیم نظریه‌ی اخلاقیمان را بر توافق یا قراردادی واقعی بین مردم بنا کنیم. در مقابل، راولز نظریه‌ی اخلاقی خود را بر توافقی فرضی، اما منصفانه بنا می‌کند. این توافق فرضی، مبتنی بر چیزی است که راولز آن را «حجاب جهل»^{۴۶} می‌نامد؛ یعنی اینگونه تصور می‌کنیم که مردمان چیزی از موقعیت خود در جامعه نمی‌دانند. مثلاً آن‌ها نمی‌دانند که دارایی‌هایشان چیست (ثروتشان چقدر است)، نمی‌دانند توانایی‌هایشان چه میزان است (چقدر باهوش‌اند و غیره) یا چه اهدافی را در

زندگی دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر، آن‌ها چیزی درباره‌ی خودشان و هرآنچه که ممکن است تصمیماتشان را تحت تأثیر قرار دهد نمی‌دانند (فالیس، ۲۰۰۷). اصولی که با طی این روند پدیدار می‌شوند، از آنجا که مبتنی بر «وضعیت نخستین» و فاقد سوگیری‌های ناشی از موقعیت اجتماعی و عاری از تبعیض بین افرادند، جای چون و چرا ندارند. در نهایت، راولز به دو اصل اساسی دست پیدا می‌کند، که یکی مربوط به آزادی و دیگری مربوط به توزیع عادلانه‌ی مایحتاج است. بر اساس اصل آزادی، همه‌ی افراد جامعه باید در برخورداری از آزادی‌های اساسی حقی برابر داشته باشند. در غیر این صورت ممکن است فرد قربانی تبعیض شود. اصل دوم راولز که مربوط به توزیع عادلانه‌ی مایحتاج است مشتمل بر برابری منصفانه‌ی فرصت‌ها و در نظر داشتن بیشترین منافع برای اغلب اعضای محروم جامعه است (واربرتون، ۱۳۸۳).

مطابق نظریه‌ی فضیلت‌محور، عملی اخلاقی است که در جهت پرورش و رشد شخصیت و منش‌ی مبتنی بر فضائل باشد. بر این اساس، حامل اصلی ارزش اخلاقی «شخص خوب»^{۴۷} است (ویلیامز، ۱۳۸۳)؛ کاری نیک است که به پرورش اشخاص خوب و بافضیلت بینجامد. آغازگر اخلاق فضیلت‌محور ارسطو است. فضائل مورد نظر ارسطو، فضائلی از قبیل شجاعت، میانه‌روی (اعتدال)، دوستی و سخاوت است. نظریه‌ی فضیلت‌محور در نیمه‌ی دوم قرن بیستم با آثار السدر مک‌ایتتایر^{۴۸} و فیلیپا فوت^{۴۹} احیا شد (فالیس، ۲۰۰۷). وجه تمایز نظریه‌ی فضیلت‌محور با نظریه‌های نتیجه‌محور و وظیفه‌محور این است که به جای تأکید بر اصول اخلاقی و آثار و نتایج مترتب بر آن‌ها، بر نقش کنشگر اخلاقی تأکید می‌کند. از منظر اخلاق فضیلت‌محور، این کافی نیست که افرادی داشته باشیم که مهارت کافی درباره‌ی انواع نظریات اخلاقی، خصوصیات خوب‌ساز و بدساز افعال و موجه یا ناموجه بودن آن‌ها داشته باشند، بلکه افراد باید در مقام کنشگران اخلاقی، انگیزه‌ی لازم برای «انجام» فعل را در خود پرورانند. باید فردی بافضیلت داشته باشیم؛ یعنی فردی که واجد فضایل اخلاقی باشد (دباغ، ۱۳۸۸).

چیستی اخلاق اطلاعات

پیش‌تر در مقدمه اشاره کردم که اخلاق اطلاعات، به معنی به‌کارگرفتن اصول و استدلال‌های فلسفه‌ی اخلاق در بررسی مسائل اخلاقی مرتبط با اطلاع‌رسانی است. در این بخش به ترسیم هندسه‌ی معرفتی اخلاق اطلاعات می‌پردازم.

امروزه اخلاق اطلاعات به صورت یک پدیده‌ی متعددالاضلاع درآمده است که می‌توان آن را متأثر از همگرایی شماری از حوزه‌های علمی مختلف بر سر مسائل اخلاقی مربوط به اطلاعات و تکنولوژی اطلاعات دانست. اینکه برخی از مسائل در حوزه‌ی اخلاق اطلاعات، ناشی از تکنولوژی اطلاعات است جای انکار ندارد. اما باید توجه داشت که اخلاق اطلاعات اعم از حوزه‌هایی مانند «اخلاق کامپیوتر^{۵۰}» یا «اخلاق تکنولوژی اطلاعات^{۵۱}» است. در واقع، بسیاری از مسائل اخلاقی مربوط به کاربرد تکنولوژی اطلاعات، خود مواردی خاص از مباحثی وسیع‌تر در حوزه‌ی اخلاق اطلاعات به شمار می‌آیند. به‌عنوان مثال اینکه آیا بایسته است که استفاده‌ی کارکنان یک سازمان از اینترنت را تحت نظارت^{۵۲} بگیریم، فرع بر مبحث «حریم خصوصی^{۵۳}» است. همچنین اینکه آیا بایسته است در یک کتابخانه‌ی عمومی بر روی کامپیوترها فیلتر نصب کنیم، فرع بر مبحث «آزادی فکری^{۵۴}» است. مسائلی نظیر حریم خصوصی و آزادی فکری، خود از مباحث مطرح در اخلاق اطلاعات هستند. می‌توان موضوع اصلی اخلاق اطلاعات را این دانست: «چه کسی به چه اطلاعاتی باید دسترسی داشته باشد». با فرض چنین موضوعی، مسائل عمده در اخلاق اطلاعات عبارتند از: آزادی فکری، دسترسی برابر^{۵۵} به اطلاعات، محرمانه‌بودن اطلاعات^{۵۶}، حریم خصوصی اطلاعات و مالکیت فکری^{۵۷} (فالیس، ۲۰۰۷).

به یک اعتبار می‌توان اخلاق اطلاعات را به‌مثابه نظریه‌ای توصیفی در نظر گرفت. در این معنی، اخلاق اطلاعات ساختارهای قدرت که در فرهنگ‌ها و ادوار تاریخی مختلف بر نگرش‌ها و سنت‌های اطلاع‌رسانی اثر گذاشته‌اند را مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین ترتیب اخلاق اطلاعات می‌تواند به یک نظریه‌ی

رهایی‌بخش^{۵۸} تبدیل شود. اخلاق اطلاعات به‌عنوان یک نظریه‌ی رهایی‌بخش، نگرش‌ها و سنت‌های اخلاقی در حوزه‌ی اطلاع‌رسانی را در سطوح فردی و جمعی مورد نقادی قرار می‌دهد. اخلاق اطلاعات در سطح توصیفی و رهایی‌بخش مستلزم بررسی و ارزیابی مسائلی از این قبیل است: رشد و گسترش ارزش‌های اخلاقی در حوزه‌ی اطلاع‌رسانی؛ تکوین ساختارهای جدید قدرت در حوزه‌ی اطلاع‌رسانی؛ اسطوره‌های اطلاعاتی؛ تناقضات و مقاصدِ مکتوم در نظریه‌ها و کنش‌های اطلاع‌رسانی؛ و رشد و گسترش تعارضات اخلاقی در حوزه‌ی اطلاع‌رسانی (کاپورو، ۲۰۰۵).

از منظر اخلاق کاربردی، می‌توان گفت که اخلاق اطلاعات مسائل اخلاقی برخاسته از اطلاعات و محیط‌های اطلاع‌رسانی و تکنولوژی‌های اطلاعات را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این معنی، اخلاق اطلاعات با حوزه‌های مختلفی از دانش‌ها سروکار دارد و می‌توان آن را محل تلاقی دغدغه‌های اخلاقی در حوزه‌هایی از این قبیل دانست: علم کتابداری و اطلاع‌رسانی، علوم کامپیوتر (انفورماتیک)، مهندسی کامپیوتر (سخت‌افزار، نرم‌افزار)، اینترنت (اخلاق سایبر^{۵۹})، سیستم‌های اطلاعات مدیریت^{۶۰}، مطالعات رسانه و روزنامه‌نگاری، کسب‌وکار (اخلاق اطلاعات کسب‌وکار^{۶۱}) و علوم زیستی و پزشکی (اخلاق اطلاعات زیستی^{۶۲}) (کاپورو، ۲۰۰۵).

اخلاق اطلاعات می‌تواند دارای جهت‌گیری‌های نظری خاص‌تری نیز باشد. به‌عنوان مثال، رافائل کاپورو «اخلاق اطلاعات بین‌فرهنگی^{۶۳}» را مطرح کرده است. اخلاق اطلاعات بین‌فرهنگی، متعاطی و جوه تاریخی و فرهنگی اخلاق اطلاع‌رسانی، با توجه به سنت‌ها و فرهنگ‌های مختلف در ادوار تاریخی مختلف است. مبادی اخلاق اطلاعات، آنچنان‌که امروزه در محافل و مجامع دانشگاهی مطرح است، به ریشه‌های تاریخ غرب، یعنی سنت فلسفه‌ی اروپایی، به‌ویژه یونانی راجع است. این به خودی خود مسئله‌برانگیز نیست؛ اما آنجا که صحبت از جامعه‌ی جهانی اطلاعاتی می‌شود و پای گفتگو درباره‌ی ارزش‌ها و

استدلال‌های اخلاقی به میان می‌آید و ما با مسئله‌ی تکثر فرهنگی مواجه می‌شویم، مسئله‌برانگیز می‌شود. در چنین شرایطی اکتفا و اقتصار به سنت غربی صحیح نیست، چراکه فی‌المثل حوزه‌های فکری‌ای همچون چین، هند، ایران و جهان اسلام برای مواجهه با چالش‌های اخلاقی، مبادی و مبانی خاص خود را دارند. اگر متفکران غربی بخواهند از منظر برتری ارزش‌های غربی در باب مسائل اخلاقی حکم کنند، کاری خودبینانه و از روی خودبرتربینی انجام داده‌اند. این است که کسانی مانند رافائل کاپورو به طرح «اخلاق اطلاعاتی بین‌فرهنگی» پرداخته‌اند. این کار مستلزم آن است که تفاوت‌های فرهنگی و فرهنگ‌های متفاوت در جهان به رسمیت شناخته شوند و به سنت‌های تاریخی آن‌ها احترام گذاشته شود. البته ذکر این نکته ضروری است که چندفرهنگ‌انگاری^{۶۴} از یک سو منوط به «ریشه‌داشتن» در یک سنت است و از سوی دیگر منوط به همدلی و هم‌بانی با سایر سنت‌ها است؛ یعنی شخص در عین تعلق داشتن به یک سنت خاص، باید بتواند فراتر از مرزهای سنت خویش نیز بیندیشد و به گفتگو و هم‌بانی با سایر سنت‌ها بپردازد.



تاریخچه‌ی اخلاق اطلاعات

مبانی اخلاق اطلاعات در سنت غربی به فرهنگ شفاهی یونان باستان برمی‌گردد. «آگورا»^{۶۵} (محل اجتماعات عمومی) و «پارسیا»^{۶۶} (آزادی گفتار) از لوازم دموکراسی آتنی بودند. کلیون آزادی گفتار را به‌مثابه صورتی از بیان^{۶۷} پرورش دادند. سقراط تفکر خود را در مکان‌های عمومی می‌پرورید. افلاطون در محاوره‌ی «فایدروس» عبور از فرهنگ شفاهی به فرهنگ کتبی را مورد بحث قرار داد. اما تحت تأثیر مسیحیت، فرهنگی مبتنی بر کتاب رشد کرد که عمده‌تأ حول یک کتاب، یعنی «کتاب مقدس» متمرکز شده بود. اختراع ماشین چاپ توسط گوتنبرگ در قرن ۱۵ و ظهور جریان اصلاح دین که از این اختراع بهره‌ی فراوان برد، مجدداً ایده‌ی آزادی ارتباطات را در غرب مدرن احیا کرد که تحت عنوان

«آزادی انتشارات» مطرح شد. در جریان انقلاب فرانسه، کتابخانه‌های اشراف و کلیساها به نفع عامه‌ی مردم مصادره شدند. پروژه‌هایی مانند «دائرةالمعارف فرانسه»^{۶۸} و جنبش کتابخانه‌های عمومی، آگاهی جدیدی از آزادی اطلاعات را رقم زدند که در اصل آزادی انتشارات، به‌عنوان یکی از اصول دموکراسی غربی ریشه داشت. بدین ترتیب می‌توان گفت که اخلاق اطلاعات از یونان باستان تا آغاز قرن بیستم با دو ایده مشخص می‌شده است: آزادی گفتار و آزادی انتشارات. اما امروزه ایده‌ی دیگری نیز مطرح شده که در پیوند با شبکه‌های اطلاعاتی و اطلاعات الکترونیکی است و آن، ایده‌ی «آزادی دسترسی» و «حق برقراری ارتباط» است (کاپورو، ۲۰۰۵).

با وجود این سابقه‌ی تاریخی، اخلاق اطلاعات در معنی اخص لفظ سابقه‌ی چندانی ندارد. در ایالات متحده، سابقه‌ی اخلاق اطلاعات به ۲۵ سال می‌رسد. اولین جریان‌ها در این زمینه، در کتابداری ایجاد شدند و سپس به اخلاق کامپیوتر منتهی گشتند. یکی از افراد شاخص در این حوزه رابرت هوپتمن^{۶۹} است. از مهم‌ترین آثار هوپتمن در این زمینه می‌توان به کتاب «چالش‌های اخلاقی در کتابداری» (هوپتمن، ۱۹۸۸) اشاره کرد. در این اثر، برخی از بخش‌ها و مسائل در کتابداری که دارای ماهیت اخلاقی هستند، مورد بررسی قرار گرفت: سانسور، حریم خصوصی، دسترسی به اطلاعات، تعادل در مجموعه‌سازی، حق مؤلف، استفاده‌ی منصفانه^{۷۰}، نظام‌نامه‌های اخلاقی^{۷۱} و مراجعه‌کنندگان مسئله‌دار^{۷۲} برخی از آن‌ها بودند (فرولیچ^{۷۳}، ۲۰۰۵).

از اولین کسانی که اصطلاح «اخلاق اطلاعات» را به کار بردند می‌توان به رابرت هوپتمن اشاره کرد که در همان کتاب فوق‌الذکر این اصطلاح را استعمال کرد. وی در سال ۱۹۹۲ نیز «مجله‌ی اخلاق اطلاعات»^{۷۴} را راه انداخت. از دیگر پیشگامان این حوزه می‌توان به رافائل کاپورو اشاره کرد که در سال ۱۹۸۸ از این اصطلاح در مقاله‌ای با عنوان «اتوس اطلاعات و اتیک اطلاعات»^{۷۵} استفاده کرد. مع‌الوصف، سابقه‌ی برخی از مباحث مطرح در اخلاق اطلاعات به سال ۱۹۸۰

می‌رسد. در این سال باربارا کوستروسکی^{۷۶} و چارلز اپن‌هایم^{۷۷} (۱۹۸۰) مقاله‌ای با عنوان «اخلاق در علم اطلاع‌رسانی» منتشر کردند و در آن مسائلی مانند محرمانه‌بودن اطلاعات، سوگیری^{۷۸} در اطلاعاتی که برای مشتریان یا مراجعه‌کنندگان فراهم شده است، کیفیت داده‌های عرضه‌شده توسط فروشندگان آنلاین، استفاده از تسهیلات کاری و غیره را مورد بحث قرار دادند (فرولیچ، ۲۰۰۵).

از دیگر افراد می‌توان به توماس فرولیچ اشاره کرد. فرولیچ (۱۹۹۲) در «سالنامه‌ی علم و تکنولوژی اطلاعات» مقاله‌ای با عنوان «ملاحظات اخلاقی متخصصان اطلاع‌رسانی» منتشر کرد و در آن اصول اخلاقی‌ای که در ارتباط با دغدغه‌های اخلاقی متخصصان اطلاع‌رسانی قابل استفاده‌اند را مورد تحلیل قرار داد. همچنین فرولیچ در سال ۱۹۹۷ مجموعه‌ای برای ایفلا منتشر کرد که عنوان آن «بررسی و تحلیل مسائل عمده‌ی اخلاقی و قانونی پیش روی خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی» بود (فرولیچ، ۲۰۰۵).

علاوه بر متخصصان علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، متخصصان علوم کامپیوتر نیز آثار متعددی در باب اخلاق اطلاعات تحریر کرده‌اند. از جمله‌ی این آثار می‌توان به سورسون^{۷۹} (۱۹۹۷) اشاره کرد که اصول اساسی اخلاق اطلاعات را احترام به مالکیت فکری، احترام به حریم خصوصی، بازنمایی منصفانه^{۸۰} و عدم ایزد^{۸۱} می‌داند. نمونه‌ی دیگر، وودبری^{۸۲} (۲۰۰۳) است که در قیاس با سورسون موضوعات متنوع‌تری همچون جرایم کامپیوتری، کپی‌رایت، حریم خصوصی، قابلیت اطمینان نرم‌افزار، هوش مصنوعی و تجارت الکترونیکی را مطرح می‌کند. کتاب وودبری را می‌توان در امتداد سنتی دانست که پس از انتشار کتاب دوران‌ساز «اخلاق کامپیوتر» تألیف دبورا جانسون^{۸۳} (۱۹۸۵) پا گرفت. از دیگر آثار قابل اعتنا در این زمینه می‌توان به «اخلاق مدیریت اطلاعات» تألیف ریچارد ماسون^{۸۴}، فلورنس ماسون^{۸۵} و ماری کولنان^{۸۶} (۱۹۹۵) اشاره کرد. اهمیت این کتاب از این جهت است که مؤلفان بین اخلاق کامپیوتر و مباحث اخلاقی مربوط

به سیستم‌های اطلاعات مدیریت و برخی از مباحث مربوط به کتابخانه‌ها پیوند ایجاد کرده‌اند (فرولیچ، ۲۰۰۵).

برخی از محققان اصطلاح «اخلاق سایبر»^{۸۷} را به کار برده و آثاری درباره‌ی آن منتشر کرده‌اند؛ از جمله پاتریک سولیوان^{۸۸} (۱۹۹۶) که معتقد است اخلاق سایبر می‌تواند جای اخلاق کامپیوتر را بگیرد. اخلاق سایبر بیشتر با مسائل اخلاقی مربوط به اینترنت و مکان سایبر^{۸۹} در ارتباط است. برخی از موضوعات مطرح در اخلاق سایبر عبارتند از: جنبه‌های اخلاقی هوش مصنوعی، سیستم‌های خبره و توانایی ربات‌ها برای استدلال. از جمله آثار مهم در این حوزه می‌توان به بویل^{۹۰} (۱۹۹۶)، لسیگ^{۹۱} (۱۹۹۹) و اسپینلو^{۹۲} (۲۰۰۳) اشاره کرد (فرولیچ، ۲۰۰۵).

اهمیت اخلاق اطلاعات برای متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی

از جهت حرفه‌ای، مأموریت^{۹۳} اصلی متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی این است که دسترسی به اطلاعات مورد نیاز را برای اعضای جامعه امکان‌پذیر کنند. ممکن است آن‌ها در انجام این مأموریت با معضلات^{۹۴} اخلاقی خاصی مواجه شوند. به‌عنوان مثال، می‌توان به معضلاتی از این دست اشاره کرد: آیا بایسته است که در یک کتابخانه‌ی عمومی، روی همه‌ی کامپیوترها فیلتر نصب کنیم؟ آیا بایسته است که اطلاعات محرمانه‌ی مراجعه‌کنندگان (مثلاً اینکه فلان مراجعه‌کننده در جستجوی چه اطلاعاتی بوده یا چه منابعی را به امانت گرفته است) را در اختیار ضابطان قضایی که درباره‌ی یک موضوع امنیتی تحقیق می‌کنند، قرار دهیم؟ آیا بایسته است کتاب‌هایی را که توسط یک فرقه‌ی قومیت‌گرا یا دارای افکار انحرافی به کتابخانه اهدا شده است، به مجموعه‌ی کتابخانه اضافه کنیم؟ آیا بایسته است به یک ولگرد یا کارتون‌خواب که بوی بسیار بدی می‌دهد، اجازه‌ی استفاده از کتابخانه را بدهیم؟ آیا بایسته است متونی که حاوی اهانت به مقدسات ادیان هستند را در مجموعه‌ی کتابخانه بگنجانیم؟ آیا موظف به ارائه‌ی خدمات اطلاع‌رسانی تخصصی در کتابخانه‌های عمومی هستیم؟ آیا زمانی که کتابخانه‌ی

آموزشگاهی نمی‌تواند نسخه‌های متعدد از یک کتاب را تهیه کند، بایسته است نسخه‌هایی از بخش‌هایی از آن را برای کلاس درس تکثیر کنیم؟ آیا بایسته است روی دائره‌المعارفی که حاوی اطلاعات پزشکی غیردقیق است، برچسب هشدار بزنیم؟ موفقیت در حل اینگونه معضلات اخلاقی، مستقیماً با مأموریت حرفه‌ای متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی در ارتباط است و لذا آن‌ها ناگزیر از تعلیم و تعلم اخلاق اطلاعات هستند (فالیس، ۲۰۰۷).

برای مواجهه‌ی مؤثر با این معضلات، کتابداران باید با نحوه‌ی استدلال اخلاقی^{۹۵} آشنا شوند و بتوانند از عهده‌ی آن برآیند. با این وجود، بسیاری از متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی تنها به داشتن «نظام‌نامه‌های اخلاقی» و عمل به آن‌ها اکتفا می‌کنند. نظام‌نامه‌ی اخلاقی سیاهه‌ای از اصول راهنمایی‌کننده برای رفتار اخلاقی است. گزاره‌هایی که در یک نظام‌نامه‌ی اخلاقی آورده می‌شوند، نوعاً اینگونه‌اند: «شما باید کار الف را انجام بدهید» (به‌عنوان مثال: «شما باید حقوق مالکیت فکری را پاس بدارید») یا «شما نباید کار ب را انجام بدهید» (به‌عنوان مثال: «شما نباید منابع کتابخانه را سانسور کنید»). نظام‌نامه‌های اخلاقی نه تنها شیوه‌ی رفتار مقبول توسط متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی را مشخص می‌کنند، بلکه کارکرد دیگری نیز دارند و آن اینکه عموم مردم را از مأموریت‌ها و ارزش‌های این حرفه آگاه می‌کنند (فالیس، ۲۰۰۷).

گرچه نظام‌نامه‌های اخلاقی کتابداری و اطلاع‌رسانی در پاره‌ای از موارد با هم اختلاف دارند، اما در اصول کلی متفق‌اند. مثلاً بسیاری از این نظام‌نامه‌ها درباره‌ی حمایت از آزادی فکری، ممانعت از سانسور منابع کتابخانه، حفظ حریم خصوصی کاربران، محرمانه‌بودن اطلاعات مربوط به کاربران و پاس‌داشتن حق مالکیت فکری وحدت نظر دارند. این‌ها همه از اهم مسائل مطرح در اخلاق اطلاعات به شمار می‌روند. با این وصف، نظام‌نامه‌های اخلاقی کتابداری و اطلاع‌رسانی از تمامی جهات با «اخلاق اطلاعات» منطبق نیستند، بلکه بیشتر نوعی «اخلاق حرفه‌ای» به‌شمار می‌روند. به‌عنوان مثال آن‌ها مباحثی همچون

نحوه‌ی برخورد با کارکنان، مشتریان و رشد حرفه‌ای کارکنان را دربرمی‌گیرند که در بسیاری از حرفه‌ها مشترکند (فالیس، ۲۰۰۷). بدین ترتیب، باید گفت که نسبت «اخلاق اطلاعات» و «اخلاق حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی»، نسبت عموم و خصوص من‌وجه است.

نظام‌نامه‌های اخلاقی، با همه‌ی اهمیتی که از حیث حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی دارند، از ضعف‌ها و محدودیت‌هایی رنج می‌برند، از جمله اینکه پاره‌ای از مهم‌ترین پرسش‌ها را بی‌پاسخ می‌گذارند. اول اینکه معلوم نیست که اصول اخلاقی مطرح در آن‌ها دقیقاً چه معنایی می‌دهند. مثلاً واضح نیست که «پاس‌داشتن اصول آزادی فکری» یا «محترم‌شمردن حقوق مالکیت فکری» دقیقاً به چه معنی است؟ و روشن نیست که شاغلان به حرفه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی در موارد انضمامی^{۹۶} و مصداقی چگونه باید این اصول را به کار بگیرند. دوم اینکه نوعاً در نظام‌نامه‌های حرفه‌ای مشخص نشده است که وقتی این اصول با هم در تعارض قرار می‌گیرند، متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی چه باید بکنند؟ فی‌المثل ممکن است اصل محترم‌شمردن حریم خصوصی و محرمانه‌بودن اطلاعات کاربران (مثلاً پیشینه‌ی امانت کتاب توسط آن‌ها) با وظیفه‌ی حمایت از امنیت ملی کشور در تضاد افتد. و یا پاس‌داشتن حقوق مالکیت فکری، اغلب می‌تواند با فراهم‌کردن بهتر دسترسی به اطلاعات در تعارض باشد. سوم اینکه در نظام‌نامه‌های اخلاقی، سخنی از «توجیه»^{۹۷} اصول اخلاقی مطرح در آن‌ها به میان نیامده است. به عبارت دیگر، در این نظام‌نامه‌ها معلوم نشده است که «دلیل» رعایت این اصول از جانب شاغلان به حرفه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی چیست؟ و این باعث می‌شود که اهل این حرفه در اغلب موارد درک روشنی از چرایی رعایت اصول اخلاقی مطرح در نظام‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای نداشته باشند (فالیس، ۲۰۰۷).

مدل‌کردن انتخاب‌های اخلاقی، با خواندن و عمل‌کردن به نظام‌نامه‌های اخلاقی حاصل نمی‌شود، بلکه این مسئله یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در «اخلاق

اطلاعات» است. مسئله‌ی توجیه یا مدلل کردن اصول اخلاقی، علاوه بر ارزش ذاتی نظری، آثار عملی مهمی نیز دارد؛ از جمله اینکه وقتی متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی دلایل اصول اخلاقی را بدانند، کاربرد آن اصول در موارد عملی انضمامی آسان‌تر خواهد شد. همچنین آگاهی از دلایل اصول اخلاقی به متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی کمک خواهد کرد تا از تصمیماتشان، به‌خصوص در هنگام مواجهه با تعارضات اخلاقی، بهتر دفاع کنند و راحت‌تر بتوانند افراد یا ائتلاف مخالف با این اصول اخلاقی را متقاعد نمایند. و در نهایت باید توجه داشت که فعلی اخلاقی است که فرد آن را از روی آگاهی و اختیار و بنا به دلایل موجه انجام داده باشد. آشنایی با نظریه‌های اخلاق هنجاری که ناظر به توجیه گزاره‌های اخلاقی‌اند، این قدرت را به متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌دهد که برای تطبیق اصول اخلاقی با موارد انضمامی، استدلال اخلاقی انجام دهند. در واقع به کمک آشنایی با نظریه‌های اخلاق هنجاری است که می‌توان بر ضعف‌ها و محدودیت‌های نظام‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای غلبه کرد (فالیس، ۲۰۰۷).

به‌طور خلاصه، می‌توان هدف از آموزش اخلاق اطلاعات به متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی را به این شرح دانست: الف) قادر ساختن متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی به تشخیص و بیان تعارضات اخلاقی در حوزه‌ی اطلاع‌رسانی؛ ب) بیدار کردن حس مسئولیت در قبال نتایج تعاملات فردی و جمعی در حوزه‌ی اطلاع‌رسانی؛ پ) بهبود بخشیدن به مهارت گفتگوی بین‌فرهنگی^{۹۸} بر مبنای به رسمیت شناختن انواع مختلف فرهنگ‌ها و ارزش‌های اطلاع‌رسانی؛ ت) فراهم کردن دانش پایه درباره‌ی نظریه‌ها و مفاهیم اخلاقی و شأن آن‌ها در کارهای روزمره‌ی اطلاع‌رسانی (کاپورو، ۲۰۰۵).

مسائل اخلاقی مربوط به تولید اطلاعات

مسئله‌ی حمایت از مالکیت فکری یکی از مهم‌ترین و بغرنج‌ترین مسائل اخلاقی و حقوقی در حوزه‌ی تولید اطلاعات است. سنت‌های مختلف، قوانین

حمایتی مختلفی را در نواحی مختلف جهان رقم زده‌اند. به‌عنوان مثال، سنت اروپایی بیشتر بر حقوق معنوی پدیدآورندگان (شخصیت پدیدآورنده، میزان خلاقیت اثر او، شهرت و موقعیت او و نظائر آن) تأکید می‌کند. این حقوق به شخص پدیدآور راجعند و به درستی و حجیت کار او مربوط می‌شوند. سنت انگلو-امریکن بیشتر بر حقوق مادی و اقتصادی (کپی‌رایت) تأکید می‌کند. این حقوق قابل انتقال یا واگذاری به غیر هستند. مطابق این سنت، آثار تألیفی اصیل که صورت عینی یافته‌اند باید مورد حمایت قرار گیرند. سنت‌های شرقی اصولاً به مسئله‌ی تکثیر و نسخه‌برداری از منظر اخلاقی و حقوقی نگاه نمی‌کرده‌اند، بلکه نسخه‌برداری را نحوی پیروی از «استاد» و ادامه‌دادن راه وی می‌دانسته‌اند (کاپورو، ۲۰۰۵). با این وجود، امروزه در کشورهای شرقی نیز مسئله‌ی مالکیت فکری به صورت مدرن مطرح و محل بحث است.

برای ایجاد هماهنگی بین این سنت‌های مختلف، راه‌حلهایی پیشنهاد شده که خود می‌توانند محل بحث باشند. یکی از این راه‌ها انعقاد معاهدات بین‌المللی بوده است. سال ۱۸۸۴ را باید آغاز انعقاد چنین معاهداتی دانست. در این سال «معاهده‌ی پاریس» برای حفاظت از مالکیت صنعتی امضاء شد. در سال ۱۸۸۶ کنوانسیون برن^{۹۹} امضاء شد که بر اساس آن، رمان‌ها، داستان‌های کوتاه، اشعار، نمایشنامه‌ها، آثار موسیقایی، طراحی‌ها، نقاشی‌ها، مجسمه‌ها و آثار معماری مورد حمایت قرار می‌گرفتند. در سال ۱۹۵۲ «کنوانسیون جهانی کپی‌رایت»^{۱۰۰} امضاء شد. این کنوانسیون شامل حقوق مربوط به تکثیر^{۱۰۱} آثار فکری و هنری است. کنوانسیون برن و کنوانسیون جهانی کپی‌رایت تحت مدیریت «سازمان جهانی مالکیت فکری»^{۱۰۲} هستند (کاپورو، ۲۰۰۵).

کنوانسیون‌های مورد اشاره امروزه با چالش‌هایی نیز مواجهند. اول اینکه دیجیتال‌سازی و ورود به دنیای مجازی، تکثیر، نسخه‌برداری و بازسازی^{۱۰۳} را آسان‌تر کرده است. و دوم اینکه فرایند بین‌المللی شدن که توسط اینترنت به آن دامن زده شده، ابعاد و چشم‌اندازهای قانون‌گذاری و کنترل ملی را تغییر داده

است. این وضعیت ما را در معرض پرسش‌هایی از این دست قرار داده است: آیا می‌توان اطلاعات (به‌عنوان محتوا) را یک دارایی فکری در نظر گرفت؟ آیا مفهوم «اشتراک دانش»^{۱۴} باید بر مفهوم «مالکیت دانش»^{۱۵} غلبه پیدا کند؟ و چگونه می‌توان دسترسی عمومی به اطلاعات الکترونیکی را تضمین کرد؟ (کاپورو، ۲۰۰۵). چنین مباحثی در اغلب محافل علمی و آکادمیک درباره‌ی مسئله‌ی مالکیت فکری مورد بحث بوده‌اند. ویژگی این نوع طرح مسئله این است که مالکیت فکری را یک امر بدیهی پنداشته‌شده و بی‌نیاز از توجیه اخلاقی می‌پندارد. آنچه از منظر اخلاق اطلاعات کمتر مورد بحث بوده، نحوه‌ی استدلال در توجیه مالکیت فکری است. با پذیرش هر یک از نظریه‌های چهارگانه‌ی اخلاق هنجاری که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفتند، از منظر متفاوتی به مالکیت فکری نگریسته خواهد شد.

تا کنون نظریه‌ی نتیجه‌محور بهترین توجیه برای حقوق مالکیت فکری بوده است، زیرا با تکیه بر آن، حق مالکیت فکری بر اساس اثرگذاریش در تولید و ارتقاء عرضه‌ی اطلاعات، توجیه شده است. در این مورد ایده‌ی اصلی این است که اگر حق مالکیت فکری پاس داشته نشود، نویسندگان نخواهند توانست هزینه‌های تولید دارایی‌های فکری را بازبند و در نتیجه میلی به خلق محصولات فکری (عرضه‌ی محتوا به کتابخانه‌ها) نخواهند داشت و واضح است که این نتیجه‌ی بدی است؛ چراکه متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی را از انجام مأموریتشان که همانا دسترس‌پذیرکردن اطلاعات مورد نیاز برای اعضای جامعه است، باز می‌دارد (فالیس، ۲۰۰۷).

این نحو توجیه مالکیت فکری می‌تواند با انتقاداتی مواجه شود. از جمله اینکه حق مالکیت فکری می‌تواند باعث شود که عده‌ی کثیری از مراجعان از دستیابی به منابع اطلاعاتی مورد نیازشان محروم شوند و این نتیجه‌ی بدی محسوب می‌شود. از منظر فایده‌انگاران، میزان خوشی‌ای که از نقض حق مالکیت فکری نصیب بیشترین افراد می‌شود، از میزان خوشی ناشی از رعایت آن بیشتر است.

از دیگر نظریه‌های اخلاقِ هنجاری که در توجیه حق مالکیت فکری کاربرد داشته، می‌توان به نظریه‌ی حق‌محور، به‌ویژه اخلاق حق‌محورانه‌ی جان لاک، اشاره کرد. جان لاک مالکیت را یکی از حقوق طبیعی انسان می‌داند، چراکه به عقیده‌ی او هر فرد حق دارد از «ثمرات کار خویش» بهره ببرد؛ بنابراین برخورداری از حق مالکیت فکری یکی از حقوق طبیعی انسان شمرده می‌شود (فالیس، ۲۰۰۷). این ایده مبنای برخی از مواد «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» بوده است. به‌عنوان مثال، ماده‌ی ۱۷ این اعلامیه می‌گوید: «هر شخص به تنهایی یا به صورت جمعی حق مالکیت دارد. هیچ کس را نباید خودسرانه از حق مالکیت محروم کرد» (جانسون، ۱۳۷۸، ص ۹۳). همچنین در بخشی از ماده‌ی ۲۳ چنین آمده است: «هر کسی که کار می‌کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت‌بخشی دریافت دارد که زندگی او و خانواده‌اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایل حمایت اجتماعی کامل شود» (جانسون، ۱۳۷۸، ص ۹۴).

توجیه مالکیت فکری با اتکا به نظریه‌ی حق‌محور نیز با انتقاداتی مواجه است، از جمله اینکه مالکیت فکری با سایر اقسام مالکیت، نظیر مالکیت زمین یا مالکیت پول، تفاوت دارد. وقتی کسی ایده یا فکری را از کس دیگری می‌گیرد، همزمان هر دو صاحب آن می‌شوند و اینگونه نیست که تصاحب یک فکر یا ایده توسط فردی، نقصانی در فکر و ایده‌ی فرد دیگر ایجاد کند. علاوه بر این، انتقاد دیگری هم وارد است و آن این که ممکن است حق مالکیت فکری با حق مالکیت سایر چیزها در تعارض قرار بگیرد. به‌عنوان مثال، حق من مبنی بر اینکه کتابم را نمی‌توان بدون اجازه‌ی من تکثیر کرد، با حق شما مبنی بر استفاده از ماشین تکثیر گران‌قیمتی که خریده‌اید در تعارض است. معلوم نیست در چنین مواردی کدام حق بر دیگری باید مقدم داشته شود تا تعارض پیش آمده مرتفع گردد (فالیس، ۲۰۰۷).

مسائل اخلاقی مربوط به گردآوری و سازماندهی اطلاعات

مهم‌ترین مسئله در مورد گردآوری و سازماندهی اطلاعات، مسئله‌ی سانسور و کنترل است. پاسخ به این مسائل، بسته به علائق و منافع قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، دینی و نظامی در ادوار مختلف تاریخی متفاوت بوده است. سنت‌های فرهنگی و اخلاقی نیز در مسائلی مانند اینکه چه چیز زشت، خلاف عفت و اهانت‌آمیز محسوب می‌شود، نقش مهمی داشته‌اند. معمولاً در متون کتابداری و اطلاع‌رسانی بین «سانسور» و «انتخاب» فرق گذاشته می‌شود. اما نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که ممکن است فرایندها و رویه‌های انتخاب با توجه به دسته‌بندی‌های موضوعی خاص و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های انتخاب دچار سوگیری شود و بدین ترتیب توازن اخلاقی را مخدوش سازد. در زمینه‌ی سانسور، مهم‌ترین مسئله این است که «آیا می‌توان آزادی فکری را محدود کرد؟». برخی به راحتی به این سؤال پاسخ منفی می‌دهند، چراکه معتقدند اراده به طرد و دفع «اطلاعات بد»^{۱۶}، خود یک پارادوکس اخلاقی است، زیرا هرگونه محدودکردن آزادی فکری خلاف حقوق بشر است (کاپورو، ۲۰۰۵).

در ارتباط با سیستم‌های طبقه‌بندی، اصطلاحنامه‌ها، موتورهای جستجو و سایر ابزارهای مشابه ذکر این نکته خالی از فایده نیست که آن‌ها خنثی و لاقضاء نیستند، بلکه همواره در خدمت اهدافی خاصند و سایر اهداف را نادیده می‌گیرند. این عدم بی‌طرفی، صرفاً به این واقعیت مربوط نمی‌شود که آن‌ها دارای سوگیری هستند، بلکه به این معنی هم هست که تعصبات و پیش‌داوری‌های غیراخلاقی خاصی در آن‌ها مکتوم است (کاپورو، ۲۰۰۵). مثلاً الگوریتمی خاص برای یک موتور جستجو، نوع خاصی از اطلاعات را کمتر از سایر انواع مشاهده‌پذیر خواهد کرد. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که حتی مسئله‌ی رتبه‌بندی در موتورهای جستجو نیز دارای تضمینات اخلاقی است. این امر موتورهای جستجو را نیز در مباحث اخلاقی مربوط به طرد و حاشیه‌ای کردن دخیل می‌کند. در این

حالت، کشف این امر که علائق چه کسانی مورد حمایت قرار می‌گیرد و علائق چه کسانی نادیده گرفته می‌شود، اهمیت فراوان دارد.

از آنجا که مهم‌ترین مسئله هم در مورد گردآوری و سازماندهی اطلاعات و هم در مورد دسترسی و اشاعه‌ی اطلاعات مسئله‌ی آزادی فکری و عدم سانسور است، برای پرهیز از اطاله‌ی کلام، کاربرد نظریه‌های اخلاق هنجاری در توجیه آن‌ها را یکجا در بخش بعد ذکر خواهم کرد.

مسائل اخلاقی مربوط به دسترسی و اشاعه‌ی اطلاعات

مسائل اصلی در زمینه‌ی دسترسی به اطلاعات عبارتند از: دسترسی عمومی به اطلاعات و حق برقراری ارتباط. مسئله‌ی دسترسی به اطلاعات هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی قابل طرح است. افراد خواهان دسترسی آزادانه و برابانه به اطلاعات هستند و می‌خواهند آزادانه با دیگران ارتباط برقرار کنند. از طرف دیگر، اطلاعات در بسیاری از موارد حاصل «کار» یک فرد یا یک گروه است و لذا ارزش اقتصادی دارد و باید مورد حمایت قرار بگیرد. در این حالت مسئله این است که چه ترتیبی باید اتخاذ شود تا حمایت از مالکیت فکری، دسترسی و اشاعه‌ی اطلاعات را محدود نکند. در سطح اجتماعی، مسئله‌ی دسترسی ناظر به ایجاد فرصت‌های برابر برای گروه‌ها و ملت‌های مختلف در دسترسی به اطلاعات است، به نحوی که از شکاف بین غنی اطلاعاتی و فقیر اطلاعاتی در میان جوامع و کشورها اجتناب شود (کاپورو، ۲۰۰۵).

یکی از مهم‌ترین مسائل در ارتباط با اشاعه‌ی اطلاعات، حفظ حریم خصوصی و محرمانه‌بودن اطلاعات کاربران است. ممکن است سازمان‌ها از متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی بخواهند که حفظ جنبه‌ی محرمانه‌ی اطلاع‌جویی و اطلاع‌یابی کاربران را نقض کنند. در هر صورت، متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی باید کاربران را از محدودیت‌های منابع و روش‌هایشان آگاه کنند (کاپورو، ۲۰۰۵).

همان‌گونه که اشاره شد، از مهم‌ترین مسائل در گردآوری، سازماندهی و اشاعه‌ی اطلاعات، مسئله‌ی آزادی فکری، سانسور و حفظ حریم خصوصی کاربران است. نظریه‌های اخلاق هنجاری نیز در این زمینه‌ها کاربرد دارند. به‌عنوان مثال، یکی از نظریه‌هایی که در توجیه آزادی فکری بسیار به کار رفته، نظریه‌ی نتیجه‌محور، به‌ویژه تقریر فایده‌انگارانه‌ی آن است. از آنجا که جان استوارت میل راجع به آزادی فکری و پرهیز از سانسور قلم‌فرسایی کرده است، می‌توان با مراجعه به آثار او دریافت که فایده‌انگاری چگونه می‌تواند در توجیه آزادی فکری به کار رود. استدلال میل در این زمینه شامل دو مرحله است: او ابتدا اینگونه استدلال می‌کند که اگر سانسور نباشد، احتمال دستیابی ما به عقاید صحیح بیشتر است. در مرحله‌ی دوم او استدلال می‌کند که کسب عقاید صحیح «خوشی عمومی»^{۱۰۷} را افزایش خواهد داد. در زمینه‌ی پرهیز از سانسور، میل به این نکته اشاره می‌کند که چون انسان جایز‌الخطا است، اگر به سانسور اقدام کند بی‌گمان سانسورش دامن «اطلاعات درست» را نیز خواهد گرفت؛ حتی اگر بکوشد صرفاً «اطلاعات غلط» را سانسور کند. به علاوه حتی اگر ما موفق شویم صرفاً اطلاعات غلط را سانسور کنیم، عقاید صحیح ما اندک‌زمانی بعد به «جزم‌هایی مرده» بدل خواهند شد نه «حقایقی زنده»، زیرا آن‌ها نمی‌توانند در فضایی نقادانه و رقابتی رشد کنند (فالیس، ۲۰۰۷). البته بنا به اصول فایده‌انگارانه نمی‌توان از منع مطلق سانسور دفاع کرد، زیرا اگر مواردی را داشته باشیم که بتوان گفت نشر یک فکر یا خبر می‌تواند حیات جمعی یک کشور یا نیمی از مردمان یک کشور را به مخاطره اندازد و موجب رنج آن‌ها شود، می‌توان آن فکر یا خبر را سانسور کرد.

از منظر نظریه‌ی وظیفه‌محور، می‌توان مسائلی همچون آزادی فکری یا حفظ حریم خصوصی افراد را در کنار وظایفی همچون وفاداری، عدالت، نیکوکاری و سپاسگزاری، از «وظائف در نگاه نخست» دانست؛ بدین معنی که رعایت آزادی فکری یا حریم خصوصی افراد وظیفه‌ای الزام‌آور است، منتها در مواردی که آن‌ها با

وظیفه‌ی الزام‌آورتری در تعارض قرار می‌گیرند (مثلاً حفظ امنیت جامعه‌ی انسانی)، می‌توان موقتاً از آن‌ها چشم پوشید.

مبنتی بر نظریه‌ی حق‌محور، آزادی فکری و حریم خصوصی از حقوق طبیعی انسان‌ها دانسته می‌شوند. این از حقوق طبیعی انسان است که بتواند به‌نحو مستقل بیندیشد و از آزادی فکری برخوردار باشد؛ لذا ما دارای حقی طبیعی و ذاتی برای دسترسی نامحدود به اطلاعات هستیم. اگر ما از دستیابی به اطلاعات منع شویم، توانائی‌مان برای تفکر مستقل مخدوش می‌شود و این با طبیعت انسان در تضاد است. به همین ترتیب می‌توان استدلال کرد که ما حقی طبیعی برای حفظ حریم خصوصی‌مان داریم. در اینجا ایده‌ی اساسی این است که اگر دغدغه‌ی این را داشته باشیم که انتخاب‌هایمان (مثلاً اینکه چه چیزی را مطالعه کنیم) تحت نظارت‌اند، قادر نخواهیم بود به‌نحو مستقل فکر کنیم (فالیس، ۲۰۰۷).

برخی از مواد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر از ایده‌های فوق حمایت می‌کنند. به‌عنوان مثال ماده‌ی ۱ این اعلامیه می‌گوید: «تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه‌ی برادرانه رفتار کنند» (جانسون، ۱۳۷۸، ص ۹۰). ماده‌ی ۳ می‌گوید: «هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد» (جانسون، ۱۳۷۸، ص ۹۱). ماده‌ی ۱۲ صریحاً از لزوم رعایت حریم خصوصی افراد سخن می‌گوید: «نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات هیچ‌کس مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد» (جانسون، ۱۳۷۸، ص ۹۲). و در ماده‌ی ۱۹ به آزادی عقیده و بیان تصریح شده است: «هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکن بیان و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد» (جانسون، ۱۳۷۸، ص ۹۳). البته در هیچ یک از این موارد اشاره‌ای نشده است که اگر یکی از این حقوق با حقوق دیگر در تعارض قرار گیرد چه باید کرد.

در نهایت باید به نظریه‌ی فضیلت‌محور اشاره کرد. مبتنی بر نظریه‌ی فضیلت‌محور، آزادی فکری و عدم سانسور از آنجا که به پرورش فضایی همچون حکمت و دانایی در انسان کمک می‌کنند، قابل توجیه‌اند. اما در اینجا نیز با این تناقض دست‌به‌گریبانیم که ارائه‌ی آزادانه‌ی اطلاعات، ممکن است مانع از پرورش برخی دیگر از فضائل، مانند عفت و خویش‌داری و میانه‌روی بشوند. نکته‌ی شایان توجه درباره‌ی نظریه‌ی فضیلت‌محور این است که این نظریه به افق اخلاق سستی در جهان اسلام نزدیک‌تر است و کارهای متفکران این حوزه می‌تواند به هم‌زمانی بهتر با آثار متفکران اسلامی همچون ابوعلی مسکویه و خواجه نصیرالدین طوسی و جلال‌الدین دوانی که در اخلاق اسلامی قلم زده‌اند، کمک کند.

سخن آخر

در عصر حاضر مردمان در ساحات مختلف زندگی‌شان با چالش‌های اخلاقی مواجهند و برای رفع این چالش‌ها می‌توانند از نظریه‌های اخلاقی بهره ببرند. متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز از این امر مستثنی نیستند. آن‌ها با استفاده از نظریه‌های اخلاقی می‌توانند مأموریت حرفه‌ای خود را بهتر به انجام برسانند. بدین منظور آن‌ها باید بیاموزند که نظریه‌های اخلاقی را چگونه در مسائل و چالش‌های انضمامی‌ای که در روند کارهای خود با آن‌ها مواجه می‌شوند، به کار ببرند. در سیاق مدیریت اطلاعات، این چالش‌ها مربوط به تولید، گردآوری، سازماندهی، دسترسی و اشاعه‌ی اطلاعات هستند. اهم این چالش‌ها، مسائلی نظیر مالکیت فکری، آزادی فکری، سانسور، حریم خصوصی و محرمانه‌بودن اطلاعات کاربران است. هر یک از نظریه‌های هنجاری، به شیوه‌ی خاص خود با این چالش‌ها مواجه می‌شوند.

هدف من در مقاله‌ی حاضر، دفاع از یک نظریه‌ی اخلاقی خاص نبود، بلکه می‌خواستم این معنی را برسانم که هر یک از نظریه‌های اخلاقی از چه زاویه‌ای به توجیه مسائل اصلی اخلاقی در عرصه‌ی مدیریت اطلاعات می‌پردازند، تا از

این طریق زمینه برای آشنایی متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران با این نظریه‌ها فراهم شود و اهمیت کسب مهارتِ استدلال اخلاقی بر ایشان روشن گردد.

البته نظریه‌های اخلاق هنجاری در عرصه‌ی اخلاق اطلاعات، با کاستی‌ها و محدودیت‌هایی نیز همراهند، از جمله اینکه این نظریه‌ها صرفاً به سنت‌های اخلاقی غربی ارجاع دارند و سنت‌های غیرغربی را پوشش نمی‌دهند. ما در جهان اسلام سنت اخلاقی رشدیافته‌ای داریم که می‌تواند از در گفتگو با نظریه‌های اخلاقی غربی درآید و در پاسخگویی به معضلات اخلاقی انسان معاصر سهیم شود. این سنت اخلاقی، با نظریه‌ی فضیلت‌محور قرابت بیشتری دارد. اما مع‌الأسف نظریه‌ی فضیلت‌محور در قیاس با سایر نظریه‌های اخلاق هنجاری، کمتر در عرصه‌ی اخلاق اطلاعات مطرح بوده و لذا در این زمینه باید تلاش بیشتری صورت گیرد.

پی‌نوشت‌ها

- 1 traditions
- 2 costumes
- 3 Capurro
- 4 information ethics
- 5 normative ethics
- 6 consequence-based theory
- 7 duty-based theory
- 8 right-based theory
- 9 virtue-based theory
- 10 William Frankena
- 11 Bernard Williams
- 12 David McNaughton
- 13 Harry Gensler
- 14 reasoning
- 15 Michael Palmer
- 16 descriptive ethics
- 17 normative ethics
- 18 normative theory
- 19 applied/practical normative ethics
- 20 euthanasia



- 21 intellectual property
- 22 first-order ethics
- 23 metaethics
- 24 second-order ethics
- 25 consequence-based theory
- 26 duty-based theory
- 27 right-based theory
- 28 virtue-based theory
- 29 Fallis
- 30 good states of affairs
- 31 utilitarianism
- 32 goodness
- 33 happiness
- 34 Jeremy Bentham
- 35 John Stuart Mill
- 36 right action
- 37 *Grundlegung zur Metaphysik der Sitten*
- 38 gutter Wille: good will
- 39 categorical imperative
- 40 William David Ross
- 41 prima facie duties
- 42 natural rights
- 43 John Lock
- 44 John Rawls
- 45 fair
- 46 veil of ignorance
- 47 good person
- 48 Alasdair McIntyre
- 49 Philippa Foot
- 50 computer ethics
- 51 information technology ethics
- 52 monitoring
- 53 privacy
- 54 intellectual freedom
- 55 equal access
- 56 confidentiality
- 57 intellectual property
- 58 emancipatory theory
- 59 cyberethics
- 60 Management Information Systems (MIS)
- 61 business information ethics
- 62 bioinformation ethics
- 63 intercultural information ethics
- 64 multiculturalism
- 65 agora



مرکز تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی

- 66 parrhesia
- 67 expression
- 68 French Encyclopédie
- 69 Robert Hauptman
- 70 fair use
- 71 codes of ethics
- 72 problem patrons
- 73 Froehlich
- 74 *Journal of Information Ethics*
- 75 Informationsethos und Informationsethik
- 76 Barbara Kostrewski
- 77 Charles Oppenheim
- 78 bias
- 79 Severson
- 80 fair representation
- 81 nonmaleficence
- 82 Woodbury
- 83 Deborah Johnson
- 84 Richard Mason
- 85 Florence Mason
- 86 Mary Culnan
- 87 cyberethics
- 88 Patrick Sullivan
- 89 cyberspace
- 90 Boyle
- 91 Lessig
- 92 Spinello
- 93 mission
- 94 dilemma
- 95 ethical reasoning
- 96 concrete cases
- 97 justification
- 98 intercultural dialogue
- 99 Berne Convention
- 100 Universal Copyright Convention (UCC)
- 101 reproduction
- 102 World Intellectual Property Organization (WIPO)
- 103 remaking or remodelling
- 104 knowledge sharing
- 105 knowledge ownership
- 106 bad information
- 107 overall happiness



مرکز تحقیقات کامپیوتر و علوم اسلامی

منابع

- پالمر، مایکل (۱۳۸۸). *مسائل اخلاق*. (علی‌رضا آل بویه، مترجم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (نشر اثر اصلی ۱۹۹۵).
 جانسون، گلن (۱۳۷۸). *اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه‌ی آن*. (محمدجعفر پوینده، مترجم). تهران: نی.
 جوادی، محسن (۱۳۷۵). *مسئله باید و هست (بحثی در رابطه ارزش و واقع)*. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
 داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۳). *اخلاق و فرهنگ*. نامه فرهنگ، ۵۳ (۳)، ۴-۳۳.
 دباغ، سروش (۱۳۸۸). *درس‌گفتارهایی در فلسفه اخلاق*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
 ریچلز، جیمز (۱۳۸۷). *فلسفه اخلاق*. (آرش اخگری، مترجم). تهران: حکمت (نشر اثر اصلی ۱۹۹۳).
 شریعت، فرشاد (۱۳۸۶). *مبانی اندیشه سیاسی در غرب از سقراط تا مارکس*. تهران: نی.
 فرانکنا، ویلیام (۱۳۸۰). *فلسفه اخلاق*. (انشاءالله رحمتی، مترجم). تهران: حکمت.
 کانت، ایمانوئل (۱۳۶۹). *بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق (گفتاری در حکمت کردار)*. (حمید عنایت و علی قیصری، مترجمان). تهران: خوارزمی (نشر اثر اصلی ۱۸۷۵).
 گنسلر، هری (۱۳۸۷). *درآمدی جدید به فلسفه اخلاق*. (حمیده بحرینی، مترجم). تهران: آسمان خیال، نقد قلم (نشر اثر اصلی ۱۹۹۸).
 مدرسی، سید محمدرضا (۱۳۸۸). *فلسفه اخلاق: پژوهش در بنیان‌های زبانی، فطری، تجربی، نظری و دینی اخلاق*. تهران: سروش.
 مک‌ناتن، دیوید (۱۳۸۳). *نگاه اخلاقی: درآمدی به فلسفه اخلاق*. (حسن میان‌داری، مترجم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
 میل، جان استوارت (۱۳۸۸). *فایده‌گرایی (مرتضی مردی‌ها، مترجم)*. تهران: نی (نشر اثر اصلی ۱۹۹۸).
 واربرتون، نایجل (۱۳۸۳). *آثار کلاسیک فلسفه*. (مسعود علیا، مترجم). تهران: ققنوس.
 ویلیامز، برنارد (۱۳۸۳). *فلسفه اخلاق*. (زهرا جلالی، مترجم). قم: دفتر نشر معارف.
 هولمز، رابرت ال. (۱۳۸۵). *مبانی فلسفه اخلاق (ویرایش ۳)*. (مسعود علیا، مترجم). تهران: ققنوس.

- Boyle, J. (1996). *Shamans, software and spleens: law and the construction of the information society*. Cambridge: Harvard University Press.
 Capurro, R. (2005). Information ethics. *Computer Society of India Communications*, 28 (12), 7-10.
 Fallis, D. (2007). Information ethics for twenty-first century library professionals. *Library Hi Tech*, 25 (1), 23-36.
 Floridi, L. (2001). Ethics in the infosphere. *The Philosophers' Magazine*, 6, 18-19. Retrieved July 8, 2010, from <http://www.philosophyofinformation.net/publications/pdf/eixpm.pdf>

- Froehlich, T. (1992). Ethical considerations of information professionals. *Annual Review of Information Science and Technology*, 27, 291-324.
- Froehlich, T. (2005). A brief history of information ethics. *Computer Society of India Communications*, 28 (12) , 11-13.
- Hauptman, R. (1988). *Ethical challenges in librarianship*. Phoenix: Oryx Press.
- Johnson, D. G. (1985). *Computer ethics*. Englewood Cliffs: Prentice-Hall.
- Kostrewski, B. J. & Oppenheim, C. (1980). Ethics in information science. *Journal of Information science*, 1 (5) , 277-283.
- Lessig, L. (1999). *Code and other laws of cyberspace*. New York: Basic Books.
- Mason, R. O., Mason, F. M. & Culnan, M. J. (1995). *Ethics of information management*. Thousand Oaks: Sage publications, Inc.
- Severson, R. J. (1997). *The principles of information ethics*. Armonk: M. E. Sharpe.
- Spinello, R. A. (2003). *Cyberethics: morality and law in cyberspace*. Boston: Jones and Bartlett Publishers.
- Sullivan, P. F. (1996). Ethics in the computer age. In J. M. Kizza (Ed.), *Social and ethical effects of the computer revolution*. Jefferson: McFarland & Co.
- Woodbury, M. C. (2003). *Computer and information ethics*. Champaign: Stipes Publishing



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی